

زعامت معنوی شیوخ صفوی و نقش آن در پیدایش دولت صفوی

شهرام پناهی خیاوی*

جایگاه معنوی شیوخ صفوی که برخی آن را با عنوان «پدر معنوی»^۱ خلق در جامعه مشخص نموده‌اند، یکی دیگر از صور بنیادین قدرت اجتماعی خاندان صفوی می‌باشد که در روند شکل‌گیری دولت صفوی بسیار مؤثر واقع شد. در حقیقت یکی از علل موفقیت شاه اسماعیل اول در سال ۹۰۶ ه. ق. در راستای قیام علیه دولت آق‌قویونلو و کسب قدرت را می‌توان در رابطه با مقام و موقع معنوی شاه اسماعیل دانست که وی از پدران ذی‌نفوذ خود به ارث داشت.^۲ چنانکه مؤلف روضة‌الصفای ناصری یکی از زمینه‌های مهم پیروزی «سادات صفویه» را در آن می‌داند که، آنها «اباً عنجد... قادات معنویه»^۳ بودند.

از آنجا که «نام سلسله صفویه و جنبه روحانی سلاطین آن میراث شیخ صفی‌الدین»^۴ می‌باشد. بهتر آن است، در ارزیابی نسبی تداوم و تحول موقعیت معنوی خاندان صفوی، وی را نقطه آغازین قرار دهیم. شیخ صفی‌الدین از اوایل جوانی قدم در مسیر عرفان و



* - کارشناس ارشد تاریخ و مدرس دانشگاه آزاد

۱- صفغلی علیار و یوسفلی خلیل، آذربایجان ادبیاتی تاریخی، قدیم دن اورتا یوز ایللیکله قدر. رداکتور و کوچورن، ج.ش سوی تورک، بیرینجی جلد، تهران، مؤسسه انتشارات راستان. چاپ اول، ص ۲۱۶.

۲- جهت اطلاع ر.ک. بداده شکری، مقدمه بر عالم‌آرای صفوی، ص ۷۷.

۳- روضة‌الصفای ناصری، جلد هشتم، ص ۱۳. قادات، جمع قائد به معنای پیشوایان می‌باشد. ر.ک. فرهنگ فارسی عمید.

۴- ابدیت ایران از دیده خاورشناسان، جلد دوم، ص ۲۵۳.

معنویت مذهبی نهاد^۵ و با کوششهای فراوان و همچنین مرور زمان، شهرت معنوی وی در میان توده‌های مردم و بزرگان و سلاطین روزگار منتشر گردید.

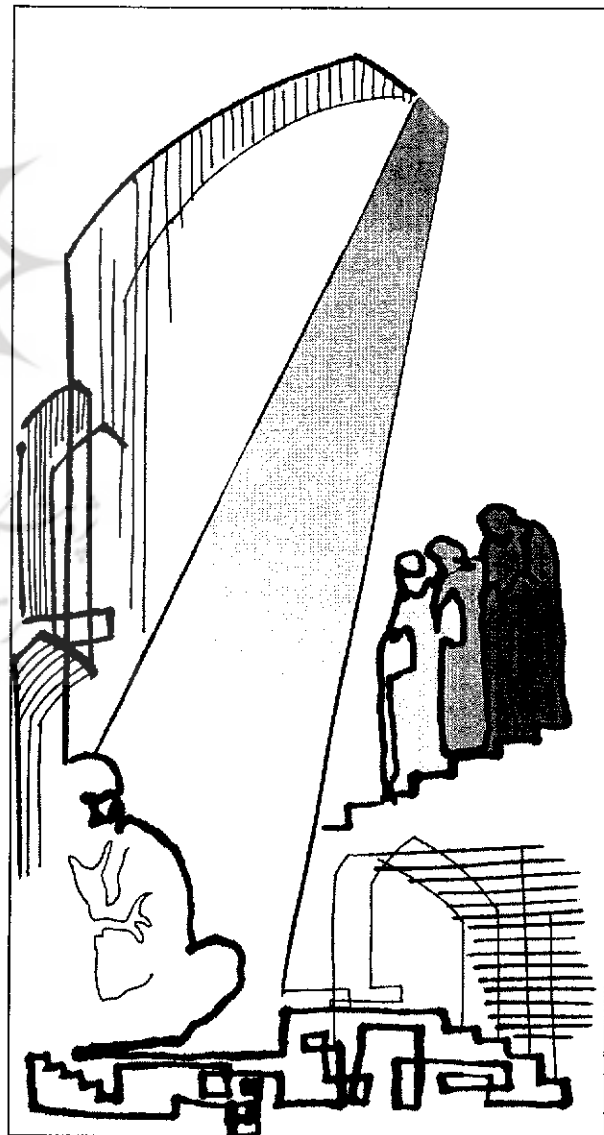
این بزاز می‌گوید که وقتی «صلاحیت و عبادت» مذهبی شیخ صفی انتشار یافت «مردم اکابر و اصاغر به شیخ تبرک قرب می‌نمودند»^۶ حتی یکی از مخالفان خاندان صفوی - روزبهان خنجی - با اعتراف به بصیرت معنوی صفی‌الدین اذعان می‌دارد که «شیخ صفی به تقوی نادره آفاق بود»^۷ یکی از رموز این موفقیت - با تکیه بر اینکه اصولاً وی جزو طبقات مذهبی بود - مربوط است به نوعی باورهای مذهبی قرن هفتم و هشتم هجری جامعه ایران.

شیخ صفی با تلفیق نوعی دانش مذهبی توأم با ادعاهای مذهبی که با مذاق جامعه عصر نیز هماهنگ بود قدم در مسیر رشد و ترقی نهاد. برخی منابع تاریخی سعی دارند بقبولانند که شیخ صفی و اجداد او «از علوم کشف اسرار بهره‌مند بودند»^۸ حتی به این موضوع نیز اشاره گردیده است که شیخ زاهد معلم بزرگ و مربی شیخ صفی هم مجهز به این گونه علوم مذهبی از قبیل کشف اسرار و کرامات بوده است.^۹

بعد از اینکه صفی‌الدین منصب عالی شیشوخیت ارشادی صوفیان را از استاد خود بگرفت، در نشان دادن این گونه معجزات حتی از اعقاب و استاد خود پیشی جست تا آنجا که «کرامات و خوارق عادت آن سلطان... در شرق و غرب جهان سمت اشتها گرفت»^{۱۰}

کرامات و معجزات فراوانی را که اکثر مورخان صفوی،^{۱۱} به شیخ صفی مربوط دانسته و آنرا با تفصیل فراوان بیان داشته‌اند، ظاهراً نتیجه خوبی را برای خود و اعقابش فراهم آورد و وسیله‌ای گردید برای بسط نفوذ و دیگر ادعاهای مذهبی آنها در جامعه. حتی گفته شده که شیخ صفی از طریق دانش مذهبی خود بین طبقات مذهبی دیگر و حتی دانشمندان «عامه علما و كافة فضلا»^{۱۲} به شهرت قابل توجهی دست یافته بود.

در تحلیل این موضوع باید گفت که «در آن دوران، جامعه اسلامی سرشار از روحیه نومیدی و احساس ناتوانی بود و حتی سلاطین که سررشته کارها در دستشان بود، برای تحقق خواسته‌های خود به طلسم و دعا، به طریقه بونی متوسل می‌شدند... از این رو مصنفان به این رشته از معرفت روی می‌آوردند و حوادث و توجیحات



۵- تاریخ شاه اسماعیل صفوی، ص ۲۶.

۶- صفوةالصفاء، ص ۱۰۱.

۷- تاریخ عالم‌آرای امینی، صص ۱۳۵ ب و ۱۳۶ الف.

۸- عالم‌آرای صفوی، ص ۵.

۹- صفوةالصفاء، تحت عنوان «در ذکر بعضی از کرامات شیخ زاهد»، صص ۱۹۰-۲۵۰.

۱۰- تاریخ حبیب‌السیر...، صص ۴۱۸-۴۱۷.

۱۱- برای آگاهی از تنوع و کثرت کرامات شیخ صفی از قول مورخان عصر صفوی، ر.ک. صفوةالصفاء، صص ۴۳۰-۲۹۴.

جهان‌آرا، ص ۲۶۰ و نیز تاریخ حبیب‌السیر...، صص ۴۱۸-۴۱۷ و تاریخ عالم‌آرای عباسی، نسخه عکسی کتابخانه ادینبورگ.

صص ۱۰-۹ و همین کتاب به تصحیح شاهرودی، ص ۱۴. روضةالصفویه، صص ۱۲ الف و ب. خلد برین، ص ۲۴ و

تاریخ انقلاب اسلام بین‌الخاص و العام، ص ۱۰.

۱۲- تاریخ حبیب‌السیر...، ص ۴۱۰.



**شیخ صفی با تلفیق نوعی دانش مذهبی توأم با ادعاهای مذهبی که
با مذاق جامعه عصر نیز هماهنگ بود قدم در مسیر رشد و ترقی نهاد. برخی منابع
تاریخی سعی دارند بقبولانند که شیخ صفی و اجداد او «از علوم کشف اسرار بهره‌مند بودند.**

توبه‌کنندگانی که «خواند میر» آن را روایت کرده، تا این حد هیچ کدام گناهکار یا کافر ذمی نبودند، شاید بتوان از این گونه اقدامات شیخ صفی به نوعی ارزیابی دست زد. بهترین نتیجه، کلمات آخر روایت خواندمیر می‌باشد. یعنی اینکه توبه‌کنندگان «در سلک سایر مریدان انتظام یافتند»؛ یا اینکه «دست ارادت در سلسله»^{۲۰} شیخ صفی زدن، مهمترین نتیجه زود هنگام می‌توانسته باشد و آن عبارت بود از، افزایش مریدان و به دنبال آن فزونی اعتبار اجتماعی و معنوی، از طریق نوعی ادعاهای مذهبی یا به باور آن زمان علم و دانش مذهبی!^{۲۱} دقت در القاب شیخ صفی که از طرف منابع این دوران در حق وی بیان شده، خود بیانگر نوعی دیدگاه درباره موقعیت معنوی شیخ صفی می‌باشد، توجه فرمایید: «قطب‌العارفین... مرشد‌الخالق الی‌الخلایق»^{۲۲}، «قطب‌الآفاق شیخ

مشابهی را ضبط می‌کردند و آن گونه تدبیر و تسخیر و تصرف علم مستقلی قلمداد شد... مردم قرن نهم، به این دلخوش بودند که قدرت تقدیر، رهبر حوادث است و نیروی شمشیر به خودی خود ارزشی ندارد و فقط ابزار تحقق تقدیر است و لذا آدمی می‌تواند با تعمق در فهم اسرار قرآن و کوشش در پرورش نیروی مکاشفه روائی... به راز آینده دست یابد. در چنین شرایطی، طبیعی بود که منزلت کرامتهای صوفیانه که در آن ایام جنبه عملی به خود گرفته بود و عامه را مجذوب و توجهشان را جلب می‌کرد، بالا رود. به همین دلیل منزلت اجتماعی صوفیان به‌ویژه نزد امیران مغول و کلاً نژاد ترک ترقی نمود»^{۱۳}

همان گونه که مؤلف تاریخ جهان‌آرا می‌گوید: «جمهور ترکان به‌واسطه آن [معجزات و کرامات] و دیگر امور غریبه حلقه ارادت آن مهر سپهر سیادت را در گوش کشیده آوازه هدایت و ولایت ایشان به شرق و غرب رسید»^{۱۴}.

بزرگان و سلاطین که به شفاعت یا به دیدن خود کرامات علاقه فراوان داشتند. همان گونه که ابن‌بزاز می‌گوید، همواره و در زمانهای متعدد «به شرف‌التقای دستبوس شیخ قدس سره می‌رسیدند»^{۱۵}. همین مورخ برای شفاعت خواهی یکی از سلاطین در حکایاتش مثالی می‌آورد، به گفته او «نوبتی سلطان غازان... ملک احمد اصفهبد گیلان را بگرفت و در قید کشید. از شیخ زاهد... التماس شفاعت کردند، شیخ زاهد شیخ صفی‌الدین را... به شفاعت به اوجان [فرستاد] پادشاه غازان شفاعت قبول کرد و التماس مبدول داشت و ملک احمد را از قید بگذاشت»^{۱۶}.

دیدن این گونه کرامات و معجزات صد البته مردم را زیر تأثیر بیشتری قرار می‌داد که تکیه‌گاه اصلی شیوخ صفوی به آنها بود و زعامت معنوی آنان در جامعه از این طریق حاصل می‌گردید. ابن‌بزاز می‌گوید که بسیاری از مردم، برای دیدن این گونه اعمال مشتاقانه عازم اردبیل برای دیدن شیخ صفی می‌شدند.^{۱۷} چنانکه گفته می‌شود «فوج فوج از ترک و تازی که به درگاه خلائق‌پناهش شتافته، دست انابت و استغفار ذیل آن عالی‌مقدار می‌زدند»^{۱۸} گفته می‌شود: «نوبتی در قریه داور به زاویه پیرمحمد داوری در یک روز قریب بیست هزار کس بر دست شیخ قدس سره توبه کردند و در سلک سایر مریدان انتظام یافتند»^{۱۹}. با احتساب این موضوع که

- ۱۳- تصوف و تشیع تا سده دوازدهم هجری، صص ۲۹۴-۲۹۲.
۱۴- تاریخ جهان‌آرا، ص ۲۶؛ قیاس کنید با قصص‌الخاقانی، ص ۲۸ و روضه‌الصفویه، ص ۱۲ الف.
۱۵- صفوة‌الصفاء، ص ۳۱۵.
۱۶- همان، ص ۱۴۹.
۱۷- همان، ص ۷۰۷.
۱۸- تاریخ جهان‌آرا، ص ۲۶ و نسب‌تاریخ حبیب‌السیر...، ص ۴۱۷.
۱۹- تاریخ حبیب‌السیر...، ص ۴۱۶.
۲۰- صفوة‌الصفاء، ص ۲۵۴.

- ۲۱- سانسون، سفرنامه‌نویس متجسس و محقق دوره شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷ تا ۱۱۰۵ ه.ق.)، با در نظر گرفتن این موضوع می‌نویسد: «شیخ صفی... مؤسس سلسله صفوی و دولت پادشاهی این خاندان... بی‌شک سیاستمداری ممتاز و توانا بوده است... در آن زمان شیخ صفی به‌عنوان یکی از قدسین این شریعت به‌شمار می‌آمد و به‌عنوان امام و پیشوا شهرت بسیار داشت، شیخ صفی زندگانی خود را که در انزوا و گوشه‌گیری می‌گذشت، چنان منظم ساخت که فرصت کافی یافت تا بسیاری از اندیشه‌ها و افکار خود را به صورت کرامات و مکاشفات به پیروان خود بقبولاند و از زودباوری و صداقت آنها با فریبکاری خود چندان استفاده کرد که آنها را واداشت به این عقیده گردن نهند که شاه اسماعیل... هم شاه و هم رئیس عالی روحانی است». ر.ک. سفرنامه سانسون، (وضع کشور ایران در عهد شاه سلیمان صفوی)، ترجمه محمد مهریار، انتشارات گلها، چاپ اول، اصفهان، ۱۳۷۷، صص ۱۰۷-۱۰۸.
۲۲- نقاوة‌الآثار فی ذکر‌الآخبار، ص ۲۷.

کرامات و معجزات فراوانی را که اکثر مورخان صفوی، به شیخ صفی مربوط دانسته و آنرا با تفصیل فراوان بیان داشته‌اند، ظاهراً نتیجه خوبی را برای خود و اعقابش فراهم آورد و وسیله‌ای گردید برای بسط نفوذ و دیگر ادعاهای مذهبی آنها در جامعه.

گردد، «غلبه مردم و ازدحام خلایق به وجهی بود که در شهر اردبیل کس... نمانده بود که به کار کردن نیامده بود...»^{۲۴}.

بعید نمی‌نماید که دیدن آن ازدحام لحظه‌ای صدرالدین را به فکر فرو برده که با توسعه بقعه به‌عنوان زیارتگاه موقعیت معنوی خاندان را مستحکم و محفوظ نماید. منابع عصر صفوی جملگی به این اقدام صدرالدین موسی در ساختن یک زیارتگاه و توسعه بقعه، اشاره کرده و بی‌شایبه به تقدیر و ستایش آن پرداخته‌اند.^{۲۵}

صفی‌الدین اسحاق^{۲۳} و «شیخ صدرالملة والدین»^{۲۴} صدرالدین موسی نیز همچون پدرش از موقعیت معنوی ویژه‌ای در جامعه برخوردار بود. حتی سعی کرده‌اند که تولد صدرالدین موسی را با نوعی حالات معنوی به‌خصوص و با «علامات عجیبه و امور غریبه»^{۲۵} توصیف نمایند. تا آنجا که اسکندریک منشی به انتقاد یا به اعتقاد می‌نویسد که، «این مختصر گنجایش تحریر آنها را ندارد»^{۲۶}.

در طی حیات صدرالدین موسی نیز همچون پدرش صفی، نشان دادن کرامات، کشف اسرار و معجزات را - که مهمترین رمز موفقیت پدرش بود - همچنان ادامه داد و چنانکه مؤلف خلدبرین می‌نویسد: «خوارق عادتش به دور و نزدیک رسید. سلاطین سلسله چنگیزی و امرا و اعیان مغول قدم در دایره اطاعت آن حضرت نهاده، دست ارادت به آن حضرت دادند»^{۲۷}. اینکه در این دوران نیز شیخ صدرالدین همچون پدرش به واسطه این گونه معجزات و کرامات - که به تعبیر آن زمان دانش مذهبی بود - مورد تأیید و احترام طبقات مذهبی و عالمان آنها می‌باشد موضوعی است که می‌توان برای آن اهمیت فراوان قایل گردید. امیر محمود بن خواندمیر، در این باره می‌نویسد: «شیخ صدرالدین بزرگی بود [که] در صدر مجالس معارف جا ساخته و رایت ولایت در ملک هدایت برافراخته...»^{۲۸}.

به همین مناسبت القاب مشابهی نیز به صدرالدین موسی جهت نشان دادن موقعیت معنوی وی از طرف منابع این دوران اطلاق گردیده که از این قرارند: «شیخ الاسلام صدرالدین دامت برکته»^{۲۹} و «حضرت مرشد الکاملین و سلطان المحققین قطب الاوتاد شیخ صدرالدین موسی»^{۳۰} و شیخ «صدرالملة والدین موسی»^{۳۱}.

علاوه بر آن در دوران طولانی ریاست شیخ صدرالدین (۷۹۳-۸۷۳ ه.ق) شاهد یک واقعه مهم می‌باشیم: بنای زیارتگاه خاندان صفوی در اردبیل آغاز شد و در طول ده سال زیر نظر او پایان پذیرفت.^{۳۲} مهمترین دلیل این کار عبارت بود از: محفوظ ماندن قدرت اجتماعی و تداوم نفوذ معنوی خاندان در ادوار بعد از مرگ شیخ صفی. زمانی که صفی‌الدین در روز دوشنبه دوازدهم محرم سال ۸۷۳ ه.ق^{۳۳} از دنیا رفت و قرار شد در مکان امروزی آن - بقعه شیخ صفی - دفن

- ۲۳- قصص الخاقانی، ص ۲۴.
 ۲۴- تاریخ عالم‌آرای عباسی، نسخه عکسی کتابخانه ادینبورگ، صص ۸-۹ و خلدبرین، ص ۳۰.
 ۲۵- تاریخ عالم‌آرای عباسی، نسخه عکسی کتابخانه ادینبورگ، صص ۸-۹ و همین کتاب به تصحیح شاهرودی، صص ۱۲ و ۱۳.
 ۲۶- خلدبرین، صص ۴۱-۴۲.
 ۲۷- همان.
 ۲۸- ایران در روزگار شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی، ص ۴۹.
 ۲۹- دستورالکاتب فی تعیین المراتب، جلد دوم، ص ۲۴۲.
 ۳۰- لب التواریخ، ص ۳۸۵.
 ۳۱- ایران در روزگار شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی، ص ۴۶.
 ۳۲- ایران عصر صفوی، ص ۹.
 ۳۳- صفوة الصفاء، ص ۹۳۸.
 ۳۴- همان کتاب، ص ۱۰۵۲.
 ۳۵- جهت اطلاع ر.ک. صفوة الصفاء، ص ۹۸۹؛ لب التواریخ، ص ۳۸۵؛ تاریخ جهان‌آرا، صص ۲۶۱ تا ۲۷۸؛ ایران در روزگار شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی، ص ۴۸؛ تاریخ عالم‌آرای عباسی، نسخه عکسی کتابخانه ادینبورگ، ص ۱۱ و همین کتاب به تصحیح شاهرودی، ص ۱۵؛ نقاوة الآثار فی ذکر الاخیار، ص ۲۷؛ قصص الخاقانی، ص ۲۹؛ خلدبرین، ص ۳۸؛ روضة الصفویه، ص ۱۳ الف و تاریخ انقلاب اسلام بین‌الخاص و العام، ص ۱۱. تاریخ ساخت این ساختمان را می‌توان به ربع چهارم قرن هشتم (۷۷۶ تا ۸۰۶ ه.ق) مربوط دانست که سنگ بنای آن را صدرالدین گذاشت و شیخ جنید و به‌خصوص شیخ حیدر آن را در اواسط قرن نهم هجری توسعه دادند. جهت اطلاع ر.ک. تشکیل دولت ملی در ایران، صص ۱۲-۱۳ و همچنین جهت اطلاع بیشتر در این رابطه ر.ک. نگاهی به آثار و ابنیه تاریخی اردبیل، صص ۷۰ و ۱۲۰-۹۷.

بقعه شیخ صفی و به عبارتی صحیح‌تر محل حضور دیگر شیوخ صفوی، یک مرکز معنوی گردید که صوفیان گرد می‌آمدند و نذوراتی بدانجا می‌رسید که صرف آنان می‌شد. از نشانه‌های والایی مقام شیخ صفی در نظر صوفیه و کل جامعه آنکه قبرش زیارتگاه حکام و پادشاهان گردید.

بعد از مرگ شیخ صدرالدین موسی به سال ۷۷۹ ه. ق^{۴۲} با تمهیدات شیوخ بعد از او، موقعیت معنوی خاندان همچنان محفوظ ماند. خواجه علی پسر و جانشین او، همچون پدر از اعتبار معنوی اجداد گذشته بهره‌مند بود و در مورد کرامات و علم مذهبی و حتی بعضی علوم دیگر، مورخان صفوی او را در ردیف شیوخ معتبر صفوی قلمداد می‌کنند. گفته شده: «سلطان خواجه علی را کار به جایی رسید که در زهد صلاح و کشف اسرار غیبی و ریاضی و علم خدای سرآمد آفاق گردید... مردم عجایب چند و کمال چند از او مشاهده می‌کردند و مرید حلقه به گوش او می‌شدند...»^{۴۳}

یکی از مهمترین علت‌های توجه تیمور - از قدرتمندترین حاکمان وقت مشرق - به او، علاوه بر شیخوخیت و اعتبار مذهبی او عبارت بود از: «خوارق عادات» خواجه علی که از این نظر مورد توجه امیر تیمور قرار داشت و خواجه علی به همین مناسبت،

نتایج این اقدام صدرالدین موسی بسیار آنی و مؤثر بود و در زمان خود وی آشکار گردید و از این طریق بود که جذب مریدان بیشتر که تحت تأثیر جنبه تقدس مآبانه و معنوی شیوخ صفوی بودند به سوی بقعه راهی شده و به زیارت آن می‌پرداختند. در این باره مؤلف *صفوة الصفا* مشاهدات خود را این گونه بیان می‌کند: «از اقطار امصار بدانجا [روی] می‌آوردند و این قبه نورانی قبله دعای اقاضی و ادانی جهان شد که هر که به درگاه حلقه دعای به اخلاص می‌جناند حق تعالی دعای وی اجابت مقرون می‌گرداند... و اکنون عادت است مطرّد و وظیفه‌ای مستمر که هر صباحی جمعی از ذاکران تا اشراق در حظیره منوره ذکر گویند پس فوجی مردم... ختم کلام مجید کنند. پس حفظه قرآن دور خوانند از بعدالعصر، همچنین حفاظ بر وظیفه تلاوت قرآن محافظت نمایند و این عادت حسنه ابدأً همچنین مستمر باشد»^{۴۴}. شاه طهماسب (۹۸۴-۹۹۳ ه. ق) بعدها از ادات عجیبی به این بقعه نشان می‌داد و علاوه بر زیارت متعددی که در طول سال از بقعه انجام می‌داد زیارت بقعه را باعث رونق کارهای خود می‌دانست.^{۴۵} امیر محمود بن خواندمیر که کتاب خود را به سال ۹۵۳ ه. ق به رشته تحریر درآورده، از سیل زائران و توجه پادشاه وقت - شاه طهماسب - خبر داده است.^{۴۶} اسکندربیک منشی مورخ دوران شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ ه. ق)، با ذکر توجه فراوان پادشاه صفوی - شاه عباس - از سیل زائرانی سخن می‌گوید که از اطراف و اکناف کشور به سوی زیارت بقعه راهی می‌شدند. به قول مورخ، بقعه «اکنون مطاف طوایف انام است... از آن تاریخ الی یومنا هذا آن مهبط فیض و رحمت لیبلاً و نهراً از تلاوت کلام حضرت رب العز خالی نیست»^{۴۷}. همچنین جمعی کارری سفرنامه‌نویس ایتالیایی که در سال ۱۱۰۵ ه. ق و در زمان سلطنت شاه سلیمان (۱۱۰۵-۱۰۷۷ ه. ق) به ایران سفری داشته، می‌نویسد: «شیخ صفی مرد مقدسی بود و ایرانی‌ها دسته‌دبسته به زیارت قبر وی می‌روند»^{۴۸}.

با توجه به توضیحاتی که بدان اشاره رفت می‌توان به این نتیجه رسید که صدرالدین موسی در راستای اقدامش اهداف معین اجتماعی و معنوی خاصی را دنبال می‌کرد، که همگی برآورده شد. بقعه شیخ صفی و به عبارتی صحیح‌تر محل حضور دیگر شیوخ صفوی «یک مرکز معنوی گردید که صوفیان گرد می‌آمدند و نذوراتی بدانجا می‌رسید که صرف آنان می‌شد. از نشانه‌های والایی مقام شیخ صفی در نظر صوفیه و کل جامعه آنکه قبرش زیارتگاه حکام و پادشاهان گردید»^{۴۹}.

۳۶- *صفوة الصفا*، صص ۹۸۸-۹۸۹ و ۶۴۳-۶۴۲.

۳۷- ابوالحسن قزوینی، *فوائد الصوفیه*، تصحیح مقدمه و حواشی مریم میراحمدی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶. ص ۲۵. تذکره شاه طهماسب، ص ۳۸.

۳۸- *ایران در روزگار شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی*، ص ۴۸. اسماعیل دوم (۹۸۵-۹۸۴ ه. ق)، جانشین شاه طهماسب نیز در مواقع احتیاج و نیاز معنوی به زیارت بقعه شیخ صفی می‌رفته است. جهت اطلاع رک. *نقاوة الآثار فی ذکر الاخیار*، ص ۲۷.

۳۹- رک. *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، نسخه عکسی کتابخانه ادینبورگ، ص ۱۱. و همین کتاب به تصحیح شاهرودی، ص ۱۵. و نیز خلدبیرین، ص ۳۵.

۴۰- جمعی کارری، *سفرنامه کارری*، ترجمه عباس نجوانی و عبدالعلی کارنگ، تبریز. اداره فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی، با همکاری مؤسسه فرانکلین، ۱۳۴۸، ص ۴۲.

۴۱- *تشیع و تصوف تا سده دوازدهم هجری*، ص ۲۷۶.

۴۲- *قصص الخاقانی*، ص ۷۷۹.

۴۳- *عالم‌آرای صفوی*، ص ۱۸.

در واقع از مطالب فوق می‌توان نتیجه گرفت که احترام شیوخ صفوی در میان سلاطین - قبل از جنید - بیشتر مربوط بود به مقام و موقعیت معنوی آنان و از آنجا که تصور عموم بر آن بود که یک شیخ یا روحانی فقط به مسائل مذهبی و امورات مربوط به آن بپردازد، مسلم است که اقدامات سیاسی - مذهبی جنید، ارزش و اعتبار معنوی آنها را به‌طور قابل ملاحظه‌ای در میان برخی حکام عصر کاسته است.

در حقیقت «شیخ جنید برخلاف اجداد خویش همیشه سعی داشت تا علاوه بر قدرت مذهبی قدرت سیاسی - حکومتی هم در کنار خانقاه معروف و مشهور اجداد خود داشته باشد. این خواسته وی طبعاً به مذاق حکام عصر او - که خود را یکه‌تاز میدان قدرت‌نمایی می‌دانستند - خوش نمی‌آمد، در نتیجه وی مورد حمایت طرفداران خود و طعن و لعن دشمنان خویش قرار می‌گرفت»^{۴۷} ولی به‌طور کلی آن چیزی که از لحاظ داخلی برای جنید و حیدر اهمیت فراوان داشت حفظ موقعیت معنوی خودشان در میان مریدان و طرفدارانشان بود که خللی بر آن وارد نشده و بیشتر مدیون جنبه‌های تقدس‌مآبانه اجدادشان بودند که در اذهان مردم همچنان پایرجا مانده بود. گفته می‌شد: اطراف جنید را «انجمن صوفیان صافی ضمائر»^{۴۸} تشکیل می‌دادند.

علاوه بر آن، جنید توانست احترام مذهبی اجداد خود را به نوعی «عبودیت و معبودیت» تبدیل نماید که از طرف مریدان به وی مبذول می‌شد. این خود یکی دیگر از ویژگیهای معنوی حاصل شده، بعد از جنید در خاندان صفوی بود که تا آخرین روزهای حکومت صفویان در ایران دوام یافت. «با اتخاذ این نقش مافوق انسانی - الهی توانستند پیروان خود را جمع کرده آنها را برای غزا و فتح رهبری کنند»^{۴۹}.

۴۴- تاریخ عالم‌آرای عباسی، نسخه عکسی کتابخانه ادینبورگ، صص ۱۱-۱۲. و همین کتاب به تصحیح شاهرودی، صص ۱۵-۱۶.

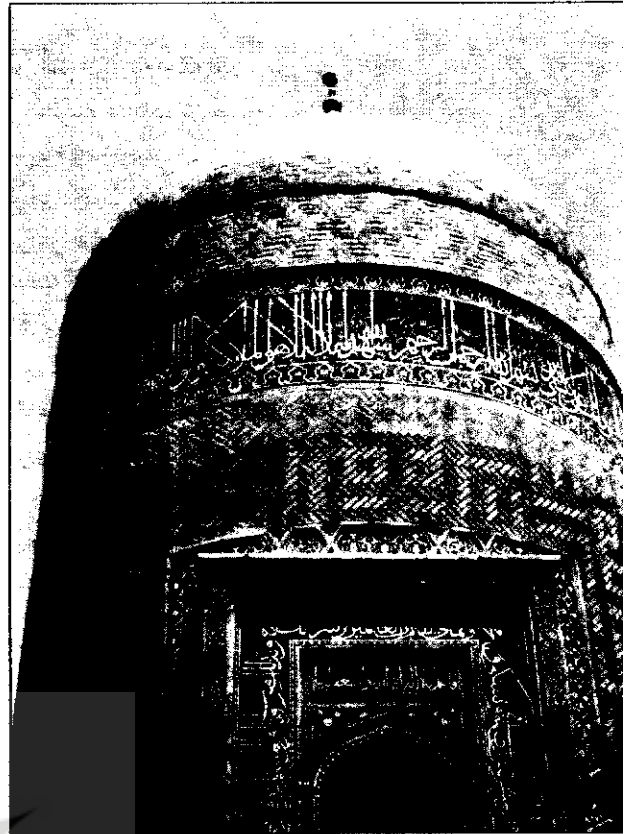
۴۵- روضة‌الصفویه، ص ۱۷ الف.

۴۶- احمد درویشی، معروف به عاشق پاشازاده: تاریخ آل عثمان، چاپی همت علی بیگ، استانبول، ۱۳۲۲، ص ۲۶۴. به نقل از تشکیل دولت ملی در ایران، ص ۴.

۴۷- تشکیل دولت صفوی و تعمیم مذهب تشیع دوازده‌امامی به‌عنوان تنها مذهب رسمی، ص ۶۰.

۴۸- روضة‌الصفویه، ص ۱۷ ب.

۴۹- پیدایش دولت صفوی، ص ۲۵۲.



بقعه شیخ صفی‌الدین در اردبیل

«دو سه مرتبه به صورت نوعی و مثالی با امیرکبیر صاحبقران امیر تیمور گورکان اتفاق ملاقات افتاد»^{۴۴}.

جانشین خواجه علی، شیخ ابراهیم نیز از موقعیت خاص نیاکان خود برخوردار بود. چنانکه «به دستور آباء و اجداد و نظام کرام ابواب رشد و رشاد به روی فرق عباد مفتوح داشته بسیاری از مریدان صاحب اخلاص را بر چشمه ایقان رسانید و گمراهان عذابت ضلالت را به جاده هدایت طریق مسلوک تعیین فرمود...»^{۴۵}.

والتر هینتس به نقل از «عاشق پاشازاده»، مؤلف تواریخ آل عثمان احترامی را که سلاطین عثمانی به فرزندان شیخ صفی (صدرالدین موسی، خواجه علی و شیخ ابراهیم) به علت مقام معنوی آنان قایل می‌شدند را متذکر شده، دلایل آن را از قول مورخ بیان می‌دارد: «بر مسند کشف و مراقبه نشسته بودند بدون آنکه عامه مردم را با امیال و اهداء خود آزاری رسانند و آوازه زهد و خدا ترسی آنها تا بروسه به دربار سلطان عثمانی رسید که در نتیجه از آنجا هر سال تحف و هدایای بسیار و کیسه‌های مالا مال از پول (که عنوان آن به زبان ترکی «چراغ آقچه‌سی» یعنی پول روشنایی و چراغ بود) به اردبیل فرستاده می‌شد»^{۴۶}.



از مطالبی که «آنجلو» مسافر ونیزی، دربارهٔ شیخ حیدر نوشته، می‌توان به این جدیدترین ویژگی معنوی او پی برد. به گفتهٔ او «همکیشان وی را همچون قدیس می‌پرستیدند». ۵۰ و در ادامه از همین سفرنامه نویس می‌خوانیم: «پيروانش وی را از پاک‌مردان خدا می‌دانند و می‌گویند از هزار سال قبل پیشگویی شده که روزی پسر او [اسماعیل اول] بر تخت سلطنت خواهد نشست». ۵۱ در حقیقت این پیشگویی به حقیقت پیوست! و شاه اسماعیل توانست با همین «مشروعیت مذهبی» ۵۲ و موقعیت معنوی خاص خود که از نیاکان مقدس مابش به ارث برده بود «چنان نفوذی در پیروان خود پیدا کند که نه تنها او را خیرخواه و صلاح‌اندیش و راهنمای خویش بدانند، بلکه او را مرشد کامل بخوانند و جانبازی و مباحات به او را وسیلهٔ نجات و فلاح انگارند». ۵۳ با این نیروی عظیم معنوی بود که شاه اسماعیل با اطمینان کامل علیه دولت آق‌قویونلو قیام نمود.

در نهایت باید گفته شود، روشی را که شیخ صفی در راه کسب اعتبار و نفوذ معنوی در میان آحاد جامعه بنیان گذاشت، مهمترین عامل موفقیت در راه کسب قدرت اجتماعی بود که شیوخ بعد از او تا عهد شاه اسماعیل اول از آن بهره جستند. به عقیدهٔ مورخ عصر شاه اسماعیل و شاه‌طهماسب - امیرمحمودبن خواندمیر - دلیل اصلی موفقیت شاه اسماعیل در قیام سال ۹۰۷ هـ. ق علیه آق‌قویونلوها و کسب پیروزی، بیشتر از هر چیز «از صنعت امداد روحانیت آن مظهر کرامت» ۵۴ یعنی شیخ صفی بود.

شاه اسماعیل در یک شعر به زبان ترکی به این میراث معنوی به ارث رسیده از شیخ صفی اشاره کرده و مریدانش را به پاسداری از آن سفارش می‌دهد:

«اول آلاهین آدی سؤیله نیر توحید

جمله عبادتین باشی دیسر توحید

پیریم شیخ صفی‌الدین بیزه قالمیشدیر

صوفی قارداشلارین قانیدیر توحید

هر کیم شیخ صفی نین امرینی توتماز

یورولور بویولدا منزله چاتماز

غیر ملت اونا اعتبار اتمز

جمله عبادتین باشی دیسر توحید

... جان ختائیم توحید دریا دنیزدیر

توحید ائتمه ینلر بیزیم نه میزدیر

پیریم شیخ صفی دن سرمایه میزدیر

اون ایکی امامین ارکانی دیسر توحید» ۵۵

● ترجمه

در رأس امور نام خدا آورده می‌شود

سر سلسلهٔ عبادات توحید است

از پیرم شیخ صفی به ما ارث رسیده است

توحید خون برادران صوفی‌ام می‌باشد

هر کس اوامر شیخ صفی را اطاعت ننماید

خسته گردیده و هرگز به سر منزل مقصود نمی‌رسد

حتی غیر اهل نیز اعتباری بر او قایل نمی‌شود

سر سلسلهٔ عبادات توحید است

... جان ختائیم، توحید همچون دریایی است

افراد بی‌اعتقاد به توحید، چه کسان ما می‌توانند باشند

توحید سرمایه‌ای است که از شیخ صفی به یادگار مانده

توحید یکی از ارکان دوازده امامیه می‌باشد

منابع

ابن‌براز، اردبیلی (درویش توکلی بن اسمعیل بزاز). *صفوةالصفاء*، مقدمه و تصحیح غلامرضا طباطبائی مجد، انتشارات زریاب، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۶.

اسکندربیک منشی، ترکمان. *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، به تصحیح شاهرودی، نشر طلوع و سیروس، چ دوم، ۱۳۶۴.

اسکندربیک منشی، ترکمان. *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، عکسبرداری شده از نسخهٔ متعلق به کتابخانهٔ دانشگاه ادینبورگ انگلستان.

افروشته‌ای نطنزی، محمودین هدایت‌الله. *نقاوة‌الآثار فی ذکوالاخیار*، به اهتمام احسان اشراقی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۰.

۵۰- سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ص ۴۰۱.

۵۱- همان کتاب، ص ۴۳۳.

۵۲- موسی نجفی، مقدمهٔ تحلیلی تاریخ تحولات سیاسی ایران (دین، دولت و تجدد) تکوین هویت ملی نوین ایران از عصر صفویه تا دوران معاصر، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۲۴. مؤلف با توضیحی در همین رابطه و در همین صفحه می‌نویسد: «شاه اسماعیل با سرسلسله‌های قبل از خود مانند محمود غزنوی و سلاطین سلجوقی و تیمور، چند تفاوت داشت. شاه اسماعیل ضمن آنکه یک ایدئولوژی و مرام عقیدتی داشت، در بین پیروانش از یک مشروعیت مذهبی نیز برخوردار بود».

۵۳- یدالله شکری، مقدمهٔ بر *عالم‌آرای صفوی*، ص هژده.

۵۴- ایران در روزگار شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی، ص ۳۵.

۵۵- هبیت جواد: *آذربایجان، ادبیات تاریخی برباخیش*، بیرنجی جیلد، ایکینجی چاپ، وارلیق، تهران، ۱۳۷۶، صص ۸۶-۸۵.



غفاری قزوینی، قاضی احمد. تاریخ جهان آرا، دیباچه از حسن نراقی. نشریات کتابفروشی حافظ، چاپ اول، تهران، ۱۳۴۳.

قزوینی، ابوالحسن. فواید الصفویه، تصحیح، مقدمه، حواشی از مریم میراحمدی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۷.

کاری، جملی. سفرنامه جملی کاری، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنک، ناشر اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین، تبریز، ۱۳۴۸.

مترجم، محمود (معروف به اسپناچی) تاریخ انقلاب اسلام بین الخاص و العام، عکسبرداری شده از نسخه خطی کتابخانه ملی تهران، به شماره ۱۶۳۴.

مزاوی، میشل م. پیدایش دولت صفوی، ترجمه یعقوب آژند، نشر گستره چاپ اول، تابستان ۱۳۶۳.

مصطفی الشیبی، کامل. تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۹.

نجفی، موسی. مقدمه تحلیلی تاریخ تحولات سیاسی ایران (دین، دولت، تجدید)، تکوین هویت ملی نوین ایران از عصر صفویه تا دوران معاصر، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸.

نخجوانی، محمدبن هندوشاه. دستورالکاتب فی تعیین المراتب، متن علمی و انتقادی با مقدمه و فهرست‌ها به اهتمام عبدالکریم علی اوغلی علی‌زاده، اداره انتشارات دانش، جلد دوم، مسکو، ۱۹۷۴.

نصر، سیدتقی. ابدیت ایران از دیده خاورشناسان، چاپخانه کیهان، جلد دوم، ۱۳۵۸.

واله اصفهانی، محمدیوسف. خلدبرین (ایران در روزگار صفویان) به کوشش میرهاشم محدث، بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی، تهران، ۱۳۷۲.

هدایت، رضاقلی خان. تاریخ روضه‌الصفای ناصری، در ذکر پادشاهان صفویه، افشاریه، زنده‌یه و قاجاریه، جلد هشتم، کتابفروشی‌های خیام و پیروزی، قم، ۱۳۳۹.

هیئت، جواد. آذربایجان ادبیات تاریخیته بیرباخیش، وارلیق، بیرینجی جیلد، تهران، ایکینجی چاپ، ۱۳۷۶.

هینتس، والتر. تشکیل دولت ملی در ایران، حکومت آق‌قویونلو و ظهور دولت صفوی، ترجمه کیکاوس جهاننداری، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۲.

یوسف جمالی، محمدکریم. تشکیل دولت صفوی و تعمیم مذهب تشیع دوازده‌امامی به‌عنوان تنها مذهب رسمی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، اصفهان، چاپ اول، ۱۳۷۲، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

جامعی، بیوک. نگاهی به آثار و ائینه تاریخی اردبیل. انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۷۴.

حسینی گنابادی، حسن میرزاییک. روضه‌الصفویه، عکسبرداری شده از نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای ملی، شماره ۱۲۷۳۰.

خنجی اصفهانی، فضل‌الله بن روزبهان. تاریخ عالم‌آرای امینی، عکسبرداری شده از نسخه خطی کتابخانه فاتح استانبول، شماره ۴۴۳۰.

خواندمیر، امیرمحمود. ایران در روزگار شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی، به کوشش غلامرضا طباطبائی مجد، مجموعه انتشارات ادبی و تاریخ موقوفات محمود افشار یزدی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۰.

خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین‌الحسینی. تاریخ حبیب‌السير فی اخبار افراد بشر، با مقدمه جلال‌الدین همائی، فهرست مطالب، اعلام و تصحیح متن محمد دبیرسیاقی، ناشر کتابفروشی خیام، چاپ سوم، ۱۳۶۲.

سرور، غلام. تاریخ شاه اسماعیل صفوی، ترجمه محمدباقر آرام و عباسقلی غفاری فرد، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴.

سفرنامه‌های ونیزیان در ایران (شش سفرنامه)، ترجمه منوچهر امیری، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ اول، تهران، ۱۳۴۹.

سفرنامه ساتسون، ترجمه محمد مهریار، انتشارات گله‌ها، چاپ اول، اصفهان، ۱۳۷۷.

سیوری، راجر. ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، انتشارات سحر، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۷۴.

شاملو، ولی‌قلی. قصص الخاقانی، تصحیح و باورقی سید حسن سادات ناصری، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۱.

شاه طهماسب بن اسماعیل بن حیدری. تذکره شاه طهماسب (۹۱۰-۹۸۴ هـ) با مقدمه و فهرست اعلام، امرالله صفری، انتشارات شرق، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۳.

صفرلی، علیار و خلیل یوسفلی. آذربایجان ادبیاتی تاریخی، قدیم دن اورتا یوز ایللیکلره قدر، رداکتور و کورچورن، ح.ش. سوی تورک، مؤسسه انتشاراتی راستان، تهران، بیرینجی جیلد، چاپ اول، ۱۳۷۶.

عالم‌آرای صفوی (مؤلف ناشناس)، به کوشش یدالله شکری، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۶۳.

عبداللطیف قزوینی، یحیی. لب‌التواریخ، به خط محمدباقر نیرومند و به سفارش ضیاء‌الدین محیط، انتشارات بنیاد گویا، چاپ اول، ۱۳۶۳.